

## فصل دوم

مباحث نظری و مفاهیم مرتبط با برنامه ریزی درسی سطح مدرسه



تعریف برنامه درسی

- دو تعریف برنامه درسی، که در این کتاب مدنظر است، طرح و نقشه‌ای برای یادگیری و دیگری، تجربه یادگیری دانش آموزان است.
- دو بعد مهم هر برنامه درسی: الف) چه چیزی باید آموزش داد، ب) چگونه باید آموزش داد.

دیدگاه‌های برنامه درسی

- دیدگاه‌های برنامه درسی موضع‌گیری‌های اساسی درباره یادگیری است.
- دیدگاه‌های برنامه درسی متعدد و مختلف و حتی متعارضی وجود دارد.
- سه منبع اصلی برای تأمل درباره دیدگاه‌های برنامه درسی: دانش، نیازها و تحولات جامعه و یادگیرنده.

عناصر برنامه درسی

- همه برنامه‌ها اعم از برنامه‌های متمرکز یا سطح مدرسه دارای عناصر و عوامل سازنده مشترکی است.
- همخوانی، انسجام و هماهنگی عناصر برنامه درسی اثربخشی و کیفیت برنامه‌ها را تعیین می‌کند.

بازنمایی‌های برنامه درسی

- برنامه درسی صرفاً آنچه در اسناد مکتوب، کتاب‌ها یا برگه‌ها نوشته می‌شود نیست. مفاهیمی مانند برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده ما را از ساده اندیشی درباره برنامه درسی برحذر می‌دارد.

برنامه ریزی درسی

- معمولاً برنامه ریزی درسی شامل پنج فعالیت است: تحلیل، طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی.
- سه متغیر اصلی که در فرایند برنامه ریزی درسی مطرح است، خاستگاه برنامه ریزی درسی، میزان انعطاف و گروه‌ها و افراد دست‌اندرکار برنامه ریزی درسی است.

چالش‌های پیش روی برنامه ریزی درسی سطح مدرسه

- تلقی محدود یا نادرست از برنامه ریزی درسی سطح مدرسه  مسائل مربوط به فرهنگ معلمی و مدرسه
- مسائل مربوط به مهارت‌های گفت و گو و تصمیم‌گیری  محدودیت‌های مرتبط با زمان، بودجه و امکانات

کیفیت برنامه درسی سطح مدرسه

- چهار ملاک ربط، همخوانی، عملی بودن و اثربخشی در ارزیابی‌های برنامه درسی مدرسه دارای اهمیت است.

گسترش برنامه درسی سطح مدرسه

- ایجاد فضای کمک فکری مدارس به یکدیگر و ایجاد شبکه‌ای مجازی برای به اشتراک گذاشتن افکار، برنامه‌ها، امکانات و آمادگی‌ها، مهم‌ترین شیوه گسترش این برنامه است.

فصل در یک نگاه

مقدمه

این بخش به تبیین «برنامه ریزی درسی سطح مدرسه<sup>۱</sup>» می‌پردازد. برای این منظور به برخی مباحث نظری و مفهومی مرتبط پرداخته شده است. ممکن است بگویید این گونه مباحث برای مدیر و معلم و کارکنان شاغل در مدرسه چندان ضرورتی ندارد و از همین ابتدا به دنبال افکار عملیاتی‌تر و کاربردی باشید. افکار و حرف‌هایی که عملی‌تر به شما بگوید در موقعیت خاص مدرسه و آموزشگاه خود چه باید بکنید و چگونه برنامه درسی سطح مدرسه را به اجرا درآورید. حق باشماست! این کتاب به عنوان راهنمای عمل برنامه ریزی درسی سطح مدرسه این وظیفه را برعهده دارد؛ اما مفاهیم و مباحث نظری، زاویه دید و چشم‌انداز درک

۱ - School level curriculum development

مباحث نظری و مفهومی  
درک عمیق تری از  
برنامه درسی و برنامه ریزی  
درسی به شما می دهد و  
شما را قادر می کند فراتر  
از نگاه فنی و عملیاتی  
صرف، توانایی تحلیل، نقد و  
طراحی پیدا کنید.

دو تعریف از میان تعاریف  
متعدد برنامه درسی  
عبارت است از: نقشه و  
طرح یادگیری و تجربه  
دانش آموزان تحت هدایت و  
برنامه ریزی مدرسه.

برنامه درسی و ابزارهای مفهومی را برای عمل برنامه ریزی درسی در اختیار شما می گذارد. بدون برخورداری از دانش برنامه ریزی درسی، شما کاردان فنی و نه مهندس طراح برنامه خواهید بود؛ پس با ما در این فصل همراه شوید.

## ۱-۱ تعریف برنامه درسی

تعریف های متعدد و مختلفی برای برنامه درسی<sup>۱</sup> ارائه شده است. به طور خلاصه و به عنوان مدخلی برای فهم برنامه درسی سطح مدرسه به دو تعریف مرتبط تر اشاره می کنیم. برنامه درسی را می توان «طرحی برای یادگیری<sup>۲</sup>» تعریف کرد. در این تعریف، برنامه درسی، مانند نقشه ای است که مسیر یادگیری و اینکه در این مسیر چه چیزی باید وجود داشته باشد را مشخص می کند و به ترسیم آن قبل از تدریس و اجرا می پردازد.

تعریف بسیار مطرح دیگر از برنامه درسی، که از دید واقعیت های اجرا به موضوع می نگرد، آن را شامل «تجربه یادگیری دانش آموزان» در محل ها و موقعیت های مختلف یادگیری می داند؛ به این معنا که برنامه درسی صرفاً، آن نیست که برایش طرح و نقشه تهیه می شود؛ بلکه می توان آن را هر چیزی دانست که به میزان زیادی برآمده و ناشی از تعامل معلم/ارائه کننده و دانش آموز در خلال فعالیت های آموزشی و موقعیت های مختلف است. در این صورت برنامه درسی به طور کامل پیش از اجرا، مشخص نمی شود؛ بلکه ضرورتاً به میزان زیادی انعطاف دارد؛ به این معنا که برنامه درسی نمی تواند تماماً پیش از اجرا، مشخص و طراحی شود؛ بلکه به میزان قابل توجهی هنگام آموزش و ارتباط معلم/ارائه کنندگان و دانش آموز یا دانش آموزان با یکدیگر شکل می گیرد.

با در نظر داشتن این دو تعریف (نقشه یادگیری و تجربه یادگیری)، می توان به این مطلب رسید که برنامه درسی سطح مدرسه، اولاً- نیازمند طرح و نقشه است؛ یعنی برنامه ای است که باید برای آن پیش از عملیاتی شدن و اجرا اندیشید و تدارک دید. ثانیاً- این برنامه به میزان زیادی منعطف است. این انعطاف کمک می کند تا در عمل و اجرا دست ارائه کنندگان/معلم بسته نباشد، تا بتوان تغییرات و ابتکار عمل های لازم را در برنامه لحاظ کرد، به گونه ای که برای دانش آموز تجربه یادگیری آموزشی تر و مفیدتری شکل گیرد. این ویژگی ضمن اینکه پویایی بیشتری به برنامه می بخشد، مسئولیت معلم/ارائه کنندگان را سنگین تر می کند؛ زیرا علاوه بر تدریس و اجرا (بعد چگونگی برنامه) به درجاتی مسئولیت طراحی برنامه (بعد چه چیزی برنامه) را به آنان می بخشد.

بر اساس این توضیحات می توان گفت دو بعد مهم هر برنامه درسی سطح مدرسه عبارت است از:  
الف) چه چیزی باید به دانش آموزان آموزش داد.  
ب) چگونه باید آموزش داد.

۱ - curriculum  
۲ - Plan for learning

لازم به ذکر است، جداسازی این دو بُعد برنامه‌درسی، عمدتاً برای فهم و تجزیه و تحلیل مسائل سودمند است؛ اما نباید این تمایز را کاملاً قاطع و پررنگ در نظر گرفت. در برنامه‌درسی سطح مدرسه، این دو بُعد ارتباط متقابل و نزدیک‌تری با یکدیگر در مقایسه با برنامه‌درسی متمرکز دارند؛ برای مثال، نشست‌های دانش‌آموزی روشی سودمند برای ارائه فعالیت‌های مطالعاتی دانش‌آموزان است؛ اما نباید به آنها تنها به عنوان یک روش نگاه کرد؛ بلکه وجه هدفی آن نیز بسیار مهم است؛ یعنی پاره‌ای از اهداف مرتبط با رشد دانش‌آموز در زمینه خودباوری و اعتماد به نفس جز از این طریق فراهم نمی‌شود. در این مثال می‌توان دید که بُعد چه چیزی برنامه (اهداف و محتوا) با بُعد چگونگی آن (روش و فرایند) در هم تنیده و کاملاً مرتبط است.

## ۲- دیدگاه‌های مختلف برنامه‌درسی

دیدگاه‌ها یا رویکردهای برنامه‌درسی به موضع‌گیری‌های اساسی درباره یاددهی و یادگیری و ابعاد نظری و عملی آن می‌پردازد. برخی از این ابعاد عبارت است از: آرمان‌های تربیتی، تلقی نسبت به یادگیرنده، تلقی نسبت به فرایند یادگیری، تلقی نسبت به فرایند آموزش، تلقی نسبت به محیط یادگیری، نقش معلم و تلقی نسبت به ارزشیابی. دیدگاه‌های مختلف برنامه‌درسی (برای نمونه دیدگاه یا رویکردهای انسان‌گرایانه<sup>۱</sup>، روش مدارانه و فن‌مدارانه، جامعه‌محور و علمی<sup>۲</sup>) پاسخ‌های بسیار گوناگون و بعضاً متعارضی به سؤالات مربوط به بُعد چه چیزی و چگونگی برنامه‌درسی داده‌اند<sup>۳</sup>. سه منبع اصلی برای پاسخ‌گویی به سؤالات مرتبط با بُعد چه چیزی (اهداف و محتوا) برنامه‌درسی وجود دارد:

- **دانش:** منظور از دانش، میراث فرهنگی و علمی بشریت است. در اینجا این سؤال مطرح است که چه دانشی برای یادگیری و رشد و توسعه آینده لازم است.
- **جامعه:** در اینجا این سؤال مطرح است که چه مسائل و موضوعاتی با توجه به نیازها و تحولات جامعه باید در برنامه‌درسی گنجانده شود.
- **یادگیرنده:** در اینجا این دست سؤالات مطرح است که چه چیزهایی با توجه به علایق شخصی یادگیرندگان، نیازهای شخصی و آموزشی آنان، برای یادگیری ضروری است. شما در برنامه‌درسی ویژه مدرسه خود با توجه به این منابع سه‌گانه، می‌توانید به سؤال‌های مرتبط با چه چیزی برنامه‌درسی به گونه‌های مختلف پاسخ دهید. اینکه به چه میزان و با چه اولویتی برنامه‌درسی مدرسه شما، نیازها و علایق دانش‌آموزان را مد نظر قرار دهد یا نیازهای جامعه و مطالبات آن یا تقاضای بازار کار را مهم بشمارد و یا جهت‌گیری ادامه تحصیل برای دانشگاه و کسب ارزش‌های عقلانی، هنری و معنوی در آن پررنگ و برجسته باشد، چیزی است که فلسفه مدرسه و منطق برنامه‌درسی سطح مدرسه شما را می‌سازد.

دیدگاه‌ها یا رویکردهای برنامه‌درسی عبارت است از موضع‌گیری‌های اساسی درباره یاددهی و یادگیری و ابعاد نظری و عملی آن؛ برای نمونه آنها اموری مانند آرمان‌های تربیتی، تلقی نسبت به یادگیرنده، تلقی نسبت به فرایند یادگیری، تلقی نسبت به فرایند آموزش، تلقی نسبت به محیط یادگیری، نقش معلم با تلقی نسبت به ارزشیابی را مشخص می‌کند.

سه منبع اصلی برای پاسخ‌گویی به سؤالات مرتبط با طراحی برنامه و تعیین جهت‌گیری‌های اساسی یاددهی - یادگیری عبارت است از: دانش، جامعه و یادگیرنده.

۱- humanistic

۲- academic

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به کتاب: نظریه‌های برنامه‌درسی، انتشارات سمت، ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران یا کتاب فرهنگ‌های برنامه‌درسی، انتشارات سمت و آستان قدس رضوی، ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران

دیدگاه برنامه درسی  
مدرسه شما به کدام یک از  
موارد ذیل نزدیک تر است؟

**دیدگاه برنامه درسی مدرسه ۱:** به نظر مدرسه ما، دانش آموزان به اندازه کافی در کتاب‌های درسی‌شان، دروس علمی و مباحث انتزاعی می‌خوانند؛ حالا جای این است که به چیزهای دیگری بپردازیم. آنها در برقراری ارتباطات و رابطه‌های خود دچار مشکل هستند. دانش آموزان این دوره نیاز دارند تا مهارت‌های زندگی را کسب کنند؛ مهارت نه گفتن، مدیریت عواطف و هیجانات، مهارت برقراری ارتباط سالم با دیگران، شیوه‌های دوست‌یابی و مدیریت زمان و آن چیزهایی که در عمل به درد زندگی آنان بخورد....

**دیدگاه برنامه درسی مدرسه ۲:** در مدرسه ما، دانش آموزان از فرهنگ‌های بسیار گوناگون و مختلف حضور دارند. علایق و پیشینه فرهنگی آنان، سطح اقتصادی اجتماعی، خانواده‌هایشان و خلاصه همه چیز آنها با هم متفاوت است. بعضی وقت‌ها این موضوع در دسرافزین می‌شود؛ مثلاً موجب می‌شود دانش آموزان چند دسته شوند و حتی بعضی وقت‌ها یکدیگر را مسخره کنند... این موضوع بعدها در جامعه نیز برایشان مشکل ساز می‌شود. ما تصمیم گرفتیم در برنامه درسی سطح مدرسه به این موضوع بپردازیم که چگونه می‌توانیم این تعارض‌های فرهنگی را کاهش دهیم، ارزش فعالیت مشترک و اهمیت با هم بودن در زندگی و خلاصه چگونگی درک و احترام به فرهنگ‌های مختلف و ارزش‌های شهروندی را به آنها آموزش دهیم.

چه دانش‌ها یا مهارت‌هایی  
مهم تر است که به  
دانش آموزان آموزش  
داده شود، سؤال جدی  
برنامه درسی است.  
رویکردهای برنامه درسی  
تلاش می‌کند به این پرسش  
پاسخ دهد.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، این دو مدرسه بر حسب اینکه چه چیزی برای آنان مهم است تا در برنامه‌های درسی سطح مدرسه خود به آن بپردازند با یکدیگر تفاوت دارند. در واقع آنها با اولویت‌های مختلف به سراغ نیازهای دانش‌آموز، جامعه یا دانش به عنوان منبع اصلی تعیین‌کننده برنامه‌های مدرسه خود می‌روند. مدرسه به ناچار باید بر حسب امکانات و موقعیت محلی و نیز اهداف و آرمان‌هایش به انتخاب از میان منابع سه‌گانه دانش، جامعه و یادگیرنده دست بزند. این انتخاب به ناچار با نوعی مصالحه همراه است. مصالحه میان دانش، نیازهای حال و آینده جامعه و نیازها و خواست دانش‌آموزان. مطمئناً برنامه درسی مدرسه نمی‌تواند به این سه منبع به یک میزان و با یک درجه از اهمیت بپردازد؛ زیرا در آن صورت، حجم برنامه درسی آن چنان سنگین و زیاد خواهد شد که در عمل از تأثیرگذاری برنامه خواهد کاست و نهایتاً موجب شکست آن می‌شود.

### ۳\_ عناصر برنامه درسی

پاسخ به دو پرسش چه چیزی باید به دانش‌آموزان آموزش داد و چگونه باید آموزش داد، را می‌توان با سؤال‌های مشخص‌تر و خردتری دنبال کرد؛ برای مثال، بعد چه چیزی برنامه درسی را می‌توان با سؤالات ذیل دنبال کرد:

اساساً چرا دانش‌آموزان باید مطلب خاصی را یاد بگیرند؟ هدف و مقصود از یادگیری این مطلب خاص چیست؟ چه محتوای مشخصی می‌توان برای این منظور به کار گرفت؟

یا سؤال چگونه باید آموزش داد را می‌توان با سؤالات ذیل پی‌جویی کرد:

دانش‌آموزان چه فعالیت‌هایی انجام دهند تا مطلب خاصی را بیاموزند؟ معلم چگونه می‌تواند فرایند یادگیری دانش‌آموز را آسان و هدایت کند؟ دانش‌آموز چه زمانی و با چه کسانی، و در

قالب چه گروه‌هایی فعالیت کند تا مطلب مورد نظر را بیاموزد؟ چه مواد و منابعی برای یادگیری دانش آموزان لازم است؟

این‌گونه سؤالات به عوامل و عناصر برنامه اشاره دارد. هر برنامه‌درسی شامل اجزا و عناصری است که به‌طور مشخص و با جزئیات به سؤال‌های اساسی درباره‌اینکه چه چیزی و چگونه به دانش آموزان آموزش داده شود، پاسخ می‌دهد؛ این بدان معنی است که برای طراحی و تدوین برنامه باید در زمینه این عناصر برنامه تعیین تکلیف کنیم. به‌طور اجمال عناصر اصلی برنامه‌درسی را می‌توان شامل موارد ذیل دانست:

هر برنامه درسی شامل ده عنصر اصلی است:  
الف) منطق  
ب) چشم‌انداز برنامه  
ج) غایات و اهداف  
د) محتوای برنامه  
ه) فعالیت‌های یادگیری  
و) دانش آموزان  
ز) نقش معلم  
ح) مواد و منابع  
ط) گروه‌بندی  
ی) فضای  
ث) زمان  
ج) ارزشیابی

الف) اهداف (ب) محتوا (ج) سازماندهی فرصت‌های یادگیری

برای مقاصد ما در این کتاب، شرح و گسترش بیشتر اجزا و عناصر برنامه سودمند است؛ زیرا هر چه اجزا و عناصر برنامه پیش از اجرا و هنگام آن، بهتر مورد تأمل واقع شود، نقشه یا تجربه یادگیری با ظرافت بیشتری مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نتیجه توان تأثیرگذاری برنامه بر دانش آموزان و یادگیری آنان افزایش می‌یابد. هر برنامه‌درسی را می‌توان شامل ده عنصر اصلی دانست. که عبارت است از:

الف) منطق<sup>۱</sup> یا چشم‌انداز (ب) غایات و اهداف (ج) محتوای برنامه (د) فعالیت‌های یادگیری دانش آموزان (ه) نقش معلم (و) مواد و منابع (ز) گروه‌بندی (ح) فضای (ط) زمان (ی) ارزشیابی

### جدول ۱-۲- عناصر برنامه‌درسی

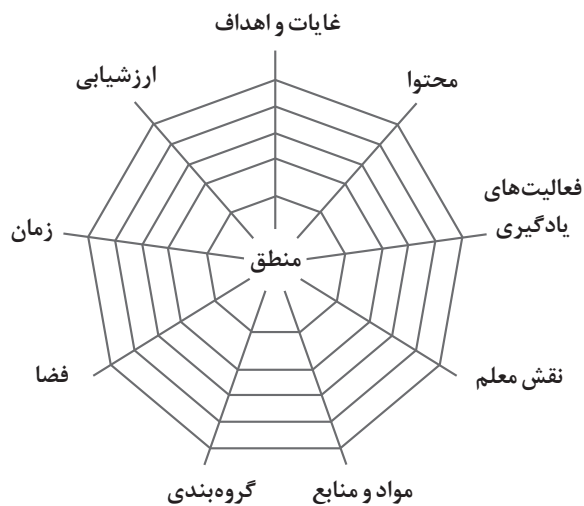
منطق یا چشم‌انداز	اصول کلی یا مأموریت اصلی برنامه را مشخص می‌کند. در واقع چرایی یادگیری دانش آموزان را تعیین می‌کند.
غایات و هدف‌ها	دانش آموزان برای دستیابی به چه هدف‌هایی می‌آموزند؟
محتوا	دانش آموزان چه چیزی می‌آموزند؟
فعالیت‌های یادگیری	دانش آموزان چگونه می‌آموزند؟
نقش معلم	معلم چگونه یادگیری را آسان و هدایت می‌کند؟
مواد و منابع	دانش آموزان با چه ابزارها و وسایلی می‌آموزند؟
گروه	دانش آموزان با چه کسانی می‌آموزند؟
فضا	دانش آموزان کجا می‌آموزند؟
زمان	دانش آموزان در چه زمانی می‌آموزند؟
ارزشیابی	دانش آموزان چقدر آموخته‌اند؟

۱- rationale

۲- vision

این عوامل و عناصر جدول در هر برنامه‌ای، اعم از برنامه‌های درسی متمرکز یا برنامه‌های درسی سطح مدرسه مطرح، و تفاوت صرفاً در دامنه و گستره تأثیر است. به علاوه برای هر کدام از این عوامل می‌توان خرده عامل‌ها و پرسش‌های خردتری نیز تعریف کرد؛ برای نمونه برای عامل گروه‌بندی می‌توان این سؤالات را مطرح کرد، که آیا دانش‌آموزان قرار است به صورت انفرادی، گروهی یا در کل کلاس بیاموزند. اندازه گروه دانش‌آموزان چقدر باشد؟ چه مسیرها و شاخه‌هایی برای دسته‌بندی کردن دانش‌آموزان و بودن آنها با یکدیگر می‌توان تعریف کرد؟ یا برای عامل مکان این پرسش می‌تواند مطرح باشد که آیا دانش‌آموزان باید در کلاس، آزمایشگاه، خانه، یا... بیاموزند.

برای فهم بهتر عوامل و عناصر برنامه‌درسی و تجسم بصری آن می‌توان از تشبیه شبکه تار عنکبوتی بهره گرفت.



شکل ۱-۲- شبکه تار عنکبوتی عناصر برنامه‌درسی (آکر، ۲۰۰۹)

استعاره شبکه تار عنکبوتی برنامه درسی حاکی از آن است که نه تنها هر کدام از عناصر برنامه به یکدیگر پیوند و ارتباط دوسویه دارد، بلکه این شبکه بسیار آسیب‌پذیر و در معرض پاره‌شدگی است. نبود هر یک از عناصر ده‌گانه یا ضعف آنها کل برنامه را دچار ضعف و آسیب می‌کند.

همان‌طور که دیده می‌شود، منطق برنامه در مرکز و محل اتصال سایر عناصر برنامه است. این موضوع اهمیت منطق را به عنوان کانون اصلی برنامه مشخص می‌کند. استعاره شبکه تار عنکبوتی برنامه‌درسی حاکی است که نه تنها هر کدام از عناصر برنامه به یکدیگر پیوند و ارتباط دوسویه دارد، بلکه این شبکه بسیار آسیب‌پذیر و در معرض پاره‌شدگی است. نبود هر یک از عناصر ده‌گانه یا ضعف آنها کل برنامه را دچار ضعف و آسیب می‌کند. این الگوی تار عنکبوتی، پیچیدگی تهیه برنامه‌درسی را خاطر نشان می‌کند؛ زیرا **همخوانی**<sup>۱</sup>، **هماهنگی**<sup>۲</sup>، **انسجام**<sup>۳</sup> برنامه به تک تک عناصر برنامه وابسته است؛ به سخن دیگر ضعف یا نبود هر یک از عناصر، حفره‌ای را در شبکه تار عنکبوتی پدید می‌آورد که شکار یا همان محصول برنامه‌ریزی درسی از آنجا خواهد گریخت.

۱ - Consistency

۲ - Harmony

۳ - Coherence



سرانجام اینکه هر بند تار عنكبوت به تنهایی بسیار سست و ضعیف است؛ اما خود تار آن چنان مستحکم و قوی هست که بتواند شکار را به دام بیندازد. بر اساس چنین استعاره‌ای گفتنی است برنامه‌ریزی درسی، پیچیدگی‌هایی دارد که به شرط همخوانی، هماهنگی و انسجام عناصر برنامه به ثمر خواهد نشست.



در فرایند طراحی و تدوین برنامه‌درسی، عناصر برنامه مشخص می‌شود. اصل همخوانی، یکی از اصول مهم طراحی برنامه‌درسی است که می‌توان آن را به دو بخش همخوانی درونی و بیرونی تقسیم کرد. تجربه حرفه‌ای خود را مرور کنید. چه نمونه‌ها و برنامه‌هایی به یاد می‌آوردید که همخوانی درونی و بیرونی میان عناصر آن دارای قوت یا ضعف بوده است؟

تأمل و  
بازاندیشی



در دو فصل پایانی این کتاب به طور مشخص تر این مطالب با توجه به برنامه‌درسی سطح مدرسه توضیح داده شده و نمونه‌ای نیز در این زمینه ذکر شده است.

## ۴. بازنمایی‌های برنامه‌درسی<sup>۱</sup>

اصطلاح «بازنمایی‌های برنامه‌درسی» برای اشاره به سه سطح یا لایه برنامه‌درسی استفاده می‌شود و منظور این است که از اصطلاح «برنامه‌درسی» برای اشاره به چه چیزی یا چه وجهی از آن استفاده می‌کنیم. به‌طور مشخص منظور، برنامه‌درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده است که هر کدام را نیز می‌توان به دو لایه مشخص تر جدا کرد. این شش تقسیم‌بندی از بازنمایی‌های برنامه‌درسی (برنامه‌درسی مطلوب، رسمی، ادراک شده، عملیاتی شده، تجربه شده و یاد گرفته شده) برای فهم و تجزیه و تحلیل فرایندها و پیامدهای برنامه‌درسی سودمند، و دارای کاربرد فراوان است.

جدول ۲-۲- بازنمایی های برنامه درسی (آکر، ۲۰۰۹)

مفاهیم برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده برای فهم و تجزیه و تحلیل فرایندها و پیامدهای برنامه درسی سودمند و دارای کاربرد فراوان است. به علاوه این مفاهیم به ما از ساده اندیشی درباره برنامه درسی هشدار می دهد. خیلی وقت ها تجربه یادگیری دانش آموزان با برنامه های قصد شده و مکتوب ارتباط چندانی ندارد!

برنامه درسی قصد شده	مطلوب	چشم انداز و رویکرد (منطق یا مبانی فلسفی زیر ساز برنامه درسی)
	رسمی / مکتوب	مقاصد مشخص شده در اسناد و مواد برنامه درسی
برنامه درسی اجرا شده	ادراک شده	برنامه درسی آن گونه که توسط کاربران آن (به ویژه معلمان) تفسیر می شود.
	عملیاتی شده	فرایندهای واقعی تدریس و یادگیری
برنامه درسی کسب شده	تجربه شده	تجربه یادگیری درک شده توسط یادگیرندگان
	یادگرفته شده	برون داده های یادگیری حاصل در یادگیرندگان

در این جدول، توضیح مختصری درباره هر کدام از این بازنمایی ها ارائه شده است. توجه و فهم بازنمایی های برنامه درسی، کمک می کند تا پیچیدگی برنامه درسی و تفاوت های اساسی میان لایه و شکل های مختلف آن را دریابیم. شما به عنوان مدیر، همیشه با فاصله و حتی شکاف میان آرمان ها، رفتار و فعالیت ها، و نتایج و پیامدهای برنامه های درسی روبه رو بوده اید و کاملاً با آن آشنا هستید. اگر به تجربه کاری خود مراجعه کنید، حتماً موارد زیادی به یاد خواهید آورد که یک کتاب درسی (به عنوان بخشی از برنامه درسی قصد شده) آن گونه که انتظار می رفت در عمل، اجرا نشده و چیزی که معلم در عمل ارائه کرده است (به دلایل مختلف از جمله وضعیت و ویژگی های کلاس درس، باورها، نگرش یا دانش معلم یا ...) با برنامه قصد شده اولیه هماهنگی چندانی نداشته است. اگر به تجربه تدریس خود مراجعه کنید، حتماً مواردی را به یاد خواهید آورد که آنچه تدریس کرده اید، به رغم اینکه برنامه ریزی خوبی برای آن انجام داده اید با آنچه دانش آموزان یاد گرفته اند یا انتظار می رفت که به دست آید، همخوانی کاملی ندارند. این گونه موارد، صرف نظر از اینکه چه عوامل و دلایلی موجب بروز آن می شود، ما را متوجه پیچیدگی های برنامه درسی می کند؛ پیچیدگی که به ما در زمینه سطحی نگری در برنامه درسی هشدار می دهد. چه بسا یک کتاب یا سرفصل دروس یک برنامه و یا هر آن چیزی که به آن برنامه درسی قصد شده می توان اطلاق کرد در نگاه اول، خوب و مناسب به نظر آید، اما وقتی از دید بازده های یادگیری و دانش آموزان و برنامه درسی کسب شده به موضوع بنگریم، چندان قابل دفاع نباشد. برنامه های مؤثر و خوب، نمی تواند بدون در نظر داشتن واقعیت های مربوط به اجرا و محیط های آموزشی تهیه و تدوین شود.

فاصله و حتی شکاف میان آرمان ها، رفتار و فعالیت ها، و نتایج و پیامدهای برنامه های درسی پدیده نسبتاً رایجی است. این گونه موارد به ما در زمینه سطحی نگری درباره برنامه درسی هشدار می دهد.

تأمل و  
بازاندیشی



تجربه حرفه‌ای خود را مرور کنید و بیندیشید فاصله و ناهماهنگی میان برنامه‌درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده، در برنامه‌های درسی متمرکز بیشتر است یا در برنامه‌های درسی سطح مدرسه.

تأمل و  
بازاندیشی

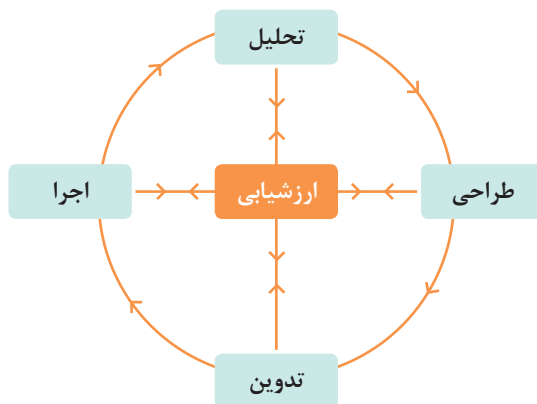


اصل هماهنگی در برنامه‌درسی به همخوانی میان برنامه‌درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده اشاره دارد. بر اساس تجربه حرفه‌ای خود، نمونه و مثالی در زمینه میزان توجه یا عدم توجه به این اصل ذکر کنید.

## ۵- برنامه‌ریزی درسی

برنامه‌ریزی درسی<sup>۱</sup> فرایندی است که به تغییرات برنامه‌درسی، نوآوری‌های آموزشی و بهبود یاددهی - یادگیری می‌پردازد. معمولاً برنامه‌ریزی درسی شامل پنج فعالیت اصلی است: تحلیل، طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی. این موضوع، که برنامه‌ریزی درسی چگونه و طی چه فرایندی انجام می‌شود در الگوهای مختلف برنامه‌ریزی درسی به آن پرداخته شده است. برای نمونه در شکل ذیل یکی از این الگوها ترسیم شده است.

برنامه‌ریزی درسی فرایندی است که به تغییرات برنامه‌درسی، نوآوری‌های آموزشی و بهبود یاددهی - یادگیری می‌پردازد و معمولاً شامل پنج فعالیت اصلی است: تحلیل، طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی.



شکل ۲-۲- یکی از الگوهای برنامه‌ریزی درسی

تشریح الگوهای متعدد برنامه‌ریزی درسی موضوع این کتاب نیست؛ اما اشاره به این نکته سودمند است که معمولاً برنامه‌ریزی درسی با تحلیل وضعیت موجود و صورت بندی مقاصدی آغاز می‌شود که در تغییر / تدوین برنامه به دنبال آن هستیم (اگر چه ضرورتاً این گونه نیست و برنامه‌ریزی را می‌توان از هر یک از آن پنج فعالیت نیز شروع کرد). در مرحله تحلیل، تشخیص نیازها، خواست‌ها، برآورد امکانات بالفعل و بالقوه و شناخت مسئله‌هایی که مدرسه

۱ - Curriculum Development

۲- علاقه‌مندان برای مطالعه بیشتر می‌توانند به کتاب‌های موجود در بازار با عنوان برنامه‌ریزی درسی مراجعه کنند. منبع ذیل نیز در این زمینه توصیه می‌شود:

Akker, J. van den, & Kuiper, W. (2007). Research on models for instructional design. In J.M. Spector, M.D. Merrill, J. van Merriënboer, & M.P. Driscoll (Eds.), Handbook of research for educational communications and technology (pp.739- 748). New York: Lawrence Erlbaum Associates.

در مرحله تحلیل، تشخیص نیازها، خواست‌ها، برآورد امکانات بالفعل و بالقوه و شناخت مسئله‌هایی که مدرسه یا دانش‌آموزان با آن مواجهند انجام می‌شود. بخشی از این تحلیل‌ها می‌تواند با توجه به پژوهش‌های انجام شده و دانش موجود انجام شود.

یا دانش‌آموزان با آن روبه‌رو هستند، انجام می‌شود. بخشی از این تحلیل‌ها می‌تواند بر دانش (یا با توجه به پژوهش‌ها) مبتنی باشد.

در هر صورت در مرحله تحلیل به دنبال آنیم تا نیازهای برآورده نشده، مشکلات، و موقعیت‌های از دست رفته شناسایی شود. اطلاعات مورد نیاز برای این منظور عمدتاً از منابع ذیل تهیه می‌شود (لوی، ص ۱۲۹):

- توجه به استنباط‌ها، تجربیات و انتظارات افراد آشنا با موقعیت، مانند مدیر، معلم، مشاور، والدین و افرادی که با دانش‌آموختگان مدرسه در تماس هستند.
- برگزاری جلسات و بحث درباره نیازهای برنامه جدید
- بازبینی کتاب‌ها و برنامه‌های درسی موجود و بررسی انتقادی آنها
- بررسی گزارش‌ها در زمینه عملکرد تحصیلی، اخلاقی، اجتماعی دانش‌آموزان

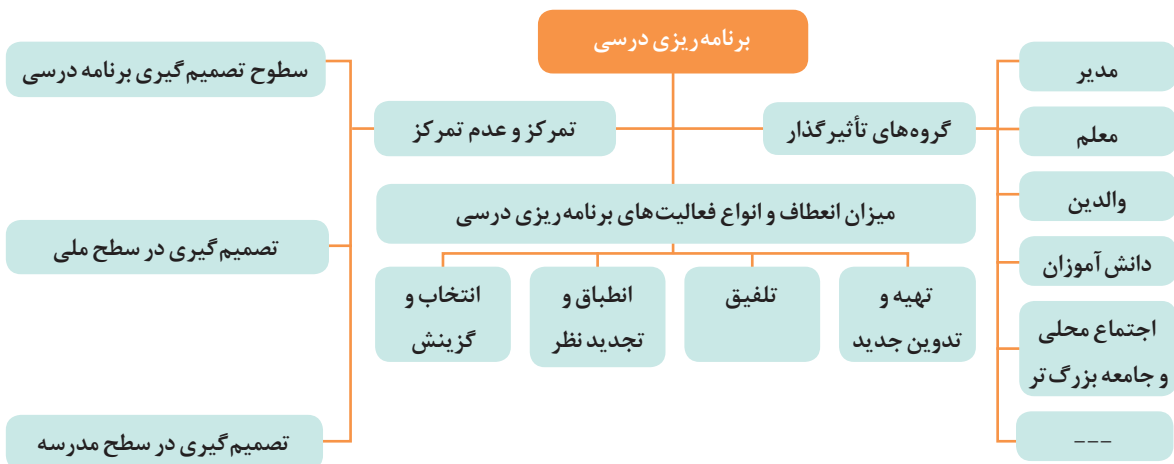
تجربه و عمل

چگونه می‌توانید هر چه بهتر، نیازهای آموزشی و خواست دانش‌آموزان و والدین و جامعه محلی مدرسه خود را شناسایی کنید؟ با مروری بر تجربه کاری خود بگویید چه تغییراتی در این نیازها و خواست‌ها با گذشت زمان به وجود آمده است؟



تجربه و عمل

از همکارانتان بخواهید، فهرستی از امکاناتی را تهیه کنند که می‌تواند در تهیه برنامه درسی سطح مدرسه شما به کار آید. این فهرست می‌تواند شامل امکانات بالفعل و بالقوه مدرسه، اعم از امکانات مادی و معنوی، انسانی و طبیعی درون یا برون مدرسه‌ای باشد. این فهرست‌ها را با یکدیگر مقایسه، و نتیجه‌گیری کنید.



نقشه مفهومی برنامه‌ریزی درسی